فهرست

[موضوع: تفسیر تربیتی/ مقدمات 2](#_Toc164865363)

[پیشگفتار 2](#_Toc164865364)

[روش و منهج تفسیر 2](#_Toc164865365)

[اطلاعات عمومی حروف مقطعه 3](#_Toc164865366)

[اقوال در حروف مقطعه 4](#_Toc164865367)

[توضیح مسئله 6](#_Toc164865368)

# موضوع: تفسیر ترتیبی/ مقدمات

# پیشگفتار

ما از سوره بقره و حروف مقطعه شروع می‌کنیم همان‌طور که عرض شد قرار بر این است که در آیات علاوه بر مباحث آیه تفسیری یک رویکرد به سمت مباحث علوم اجتماعی و امثال آن‌ها داشته باشیم.

این سوره حمد و آیه شریفه بسم الله که در جای خود باید مفصل بحث کرد، فعلاً از سوره بقره و حروف مقطعه شروع می‌کنیم

در باب حروف مقطعه مجموعه اقوال در کتاب تسنیم جمع شده است، چون اقوال در حروف مقطعه از بیست تا سی تا جمع کرده‌اند و ذکر کرده‌اند از تفاسیر مختلف و ایشان هم نسبتاً جامع و وافی در کتاب تسنیم اقوال مختلف را اشاره کرده‌اند و ظاهراً بیست قول را آنجا برشمرده‌اند و یک مروری هم ایشان دارند که با آن تفصیل کسی بخواهد آنجا می‌تواند مراجعه بکند.

از لحاظ روایات هم در جلد اول تفسیر الاثری مرحوم آقای معرفت تقریباً به طور جامع عامه و خاصه را آنجا جمع‌آوری کرده‌اند و یک بررسی هم انجام داده‌اند.

لذا اگر کسی بخواهد اقوال را در باب حروف مقطعه مراجعه بکند کتاب تسنیم است که نسبتاً جامع جمع کرده‌اند و اگر بخواهد روایات را مراجعه بکند در تفسیر الاثری از مرحوم آقای معرفت رحمة الله علیه در جلد اول، در مقدمات آورده است نه در ابتدای سوره بقره، به تناسبی بحث از حروف مقطعه کرده‌اند.

# روش و منهج تفسیر

نکته دیگری در باب روش و منهج تفسیر و قواعد تفسیر هم مطالب زیادی مطرح شده است که هم باید آن‌ها را یک جوری جمع بکنیم و هم به تناسب آیات و مباحثی که می‌آید قواعد و مباحث و منهج تفسیری هم مورد توجه قرار می‌دهیم، منتهی در هر جا خواهیم گفت این باید در بحث جامع قواعد و مناهج برود. این هم در تضاعیف بحث ورود می‌کنیم و اشاره خواهیم کرد این در فصل و بخش مستقل می‌تواند قرار بگیرد.

همین‌طور مواردی که با علم اصول ارتباط دارد را اشاره خواهیم کرد.

آن که الان می‌تواند احاطه‌ای برای مباحث مقطعه بدهد بین این کتبی که وجود دارد در اقوال، در تسنیم است و در روایات هم در تسنیم است و هم آقای معرفت در جلد اول تفسیر اثری در مقدمات روایات را آورده است و در تسنیم روایات تقسیم‌بندی طایفه‌بندی شده است. آن تفاصیل را در آنجا می‌شود مراجعه کرد.

# اطلاعات عمومی حروف مقطعه

بعضی از اطلاعات عمومی حروف مقطعه هم در کتاب‌ها آمده است بدین ترتیب است؛

۱- در بیست و نه سوره از قرآن شاهد این هستیم که شروع با حروف مقطعه است.

۲- مجموعه حروفی که در این حروف مقطعه آمده است چهارده حرف خالص است اگر تکرار‌ها را حذف کنیم که نیمی از حروف ابجد و حروف عربی است و مجموع آن‌ها بدون حذف مکررات هفتاد و هشت حرف است.

۳- حروف مقطعه هم «الف، لام، میم، صاد، کاف، حاء، یاء، عین، طا، سین، هاء، قاف و نون» است و جز دو سوره بقره و آل‌عمران که مدنی هستند و با این حروف آغاز شده‌اند، بقیه مکی می‌باشند، یعنی عمده بیست و هفت سوره مکی هستند، سور مکه‌ای هستند با مقطعه شروع شده‌اند.

۴- نکته ظریفی هم از زمخشری نقل شده است که این چهارده حرف اگر با آن تقسیماتی که در حروف عربی هست مقایسه بکنید از همه آن تقسیمات حرفی در این چهارده حرف وجود دارد، آن تقسیمات هم حروف مهموسه، مهجوره، رخوه، مطبقه مستعلیه و منخفضه و امثال اینها تقسیماتی دارد. ایشان با یک دقتی به دست آورده است که آن شش تقسیمی که در باب حروف عربی است، از این حروفی که در مقطعه آمده است یکی از دو قسم آن‌ها را در بردارد. این‌طور نیست که هیچ تقسیمی از آن هفت هشت تقسیم در حروف مقطعه نباشد.

اینها استنباطات و استظهارات ظریف ادبی است که از ایشان نقل شده است البته زمخشری در بحث‌های ادبی خیلی دقائق دارد.

۵- همین‌طور این نکته که این حروف مقطعه و آغاز یک مجموعه با حروف مقطعه از اختصاصات قرآن است در کتب آسمانی و سایر کتب آسمانی و مصاحف ظاهراً از حروف مقطعه خالی بوده‌اند.

۶- نکته دیگر در اطلاعات عمومی حروف مقطعه این است که در حروف مقطعه از یک حرفی تا پنج حرفی وجود دارد؛ از «ن» تا سه حرفی «الم» تا چهار حرفی «المر» تا پنج حرفی «کهیعص» وجود دارد

۷- از لحاظ شمارش آیات هم گفته شده است که در بعضی موارد این حروف مقطعه خود یک آیه است در ابتدای سوره مثل «الم» بعضی جاها جزء آیه اول است، در بعضی جاها دو آیه است؛ آیه اول و دوم مقطعه است.

در هر صورت هم مواردی جزء آیه اول است، در مواردی یک آیه مستقل است و در مواردی هم دو آیه است، آیه جدا بودن هم نکته‌ای دارد که در بحث‌ها، ملاحظه خواهید کرد.

۸- این هم امر مورد اجماع است که قرائت اینها به شکل همان الف، لام، میم می‌باشد یعنی هر یک از این حروف مقطعه تلفظ نامی است که بر آن صوت گذاشته شده است.

آن که از آن کلمات تشکیل می‌شود حروف به معنای مسماء است، «اَ» است، می‌گوییم «بسم الله» این «بِ–» اصوات است که مسمای حروف است و اسم این حروف «الف، باء، لام، میم» هست که گفته شده است عمده این حروف یا همه آن‌ها، اسامی آن‌ها مرکب از سه حرف است.

در حروف مقطعه قرائت همان اسم حروف است، نه خود حروف که مسما باشد این از امور مسلم است.

بنابراین در حروف عربی مثل سایر حروف یک حرف به حمل شایع است که همان صوت است که شبه بسیط است، «اَ» و یک اسم آن حرف هست که آن مرکب است که خود مرکب از چند حرف است. این اسم غیر از واقع آن حرف است، این اسم الحرف است و اسم مرکب از چند حرف است.

بنابراین اسامی حروف دیگر حرف نیست، خود آن کلمه است که مرکب از سه حرف است، وقتی می‌گوییم اینها حرف بسیط هستند یعنی مسما است و اما اسم طبعاً دیگر حرف نیست، وقتی می‌گوییم «الف» این حرف نیست، این کلمه است، به حمل شایع یعنی نگاه به مسما بکنید، حرف است، به حمل اولی وقتی اسم را ببینی این خود کلمه است.

این از جاهایی است که به حمل اولی و حمل شایع حکم متفاوت است لذا می‌گوییم الف حرف است یا کلمه؟ می‌گوییم به عنوان حمل اولی و به عنوان اسم کلمه است، به حمل شایع یعنی به عنوان مسما حرف است. لذا حروف مقطعه را که می‌گوییم آن واقع و حمل شایع را دیده است و می‌گوید حروف است و واقعاً اینجا به لحاظ حمل شایع می‌گوییم حروف مقطعه و الا به حمل اولی اینها کلمه هستند. منتهی در حمل اولی چیزی نیست، فقط ادا و قرائت است.

این مورد توجه باشد که به اینها می‌گوییم حروف مقطعه از باب به حمل شایع و مسمای این‌هاست، ازاین‌رو در مقام قرائت و تلاوت، می‌گوییم تلفظ به اسامی اینها می‌کنیم که خود اسامی کلمه است، ولی آن که واقع که اینجا مراد است یک مسماست که صوت است. لذا در قرائت گفته نمی‌شود «اَ، لِ، مِ» بلکه گفته می‌شود «الف، لام، میم» یعنی همان کلمه‌ای که اسم برای این اصوات است قرائت می‌شود که سه کلمه است.

# اقوال در حروف مقطعه

چون قرار نیست مبسوط وارد این بحث بشویم، اقوال در تسنیم و روایات در جلد اول تفسیر اثری، می‌شود ملاحظه کرد.

در ادامه مرور اجمالی اطلاعات مربوط به حروف مقطعه، بعد از این نکات می‌شود به اقوال هم که عمدتاً در تسنیم آمده است اشاره کرد.

این اقوال خیلی قسیم همدیگر نیستند، بر اساس صبر و تقسیمی جمع شده است و چندان نظم منطقی ندارند، الزاماً هم مقابل هم نیستند و قابل جمع هستند. یعنی بر اساس یک استظهارات و برداشت‌هایی که مفسرین انجام داده‌اند و برخی از اینها تحت تأثیر روایات هست تنظیم شده است بدون اینکه نظم منطقی باشد یا تداخل در آن‌ها باشد یا قابل جمع نباشد.

۱- اینکه این حروف از آیات متشابهات است و علم آن مختص خداست، ناظر آن تقسیم آیات به محکمات و متشابهات.

۲- این حروف مقطعه نام سوره‌ها است. علمی است که وضع شده است برای اسم‌گذاری یک سوره و این وضع را خدا انجام داده است. چون وضع می‌تواند وضع عام باشد یا وضع خاص باشد و اینها یک وضع خاص دارد که واضع خاص اسم قرار داده است، پس اینها علم هستند و علم برای یک سوره هستند و واضع این هم خاص است که خداست.

اقسام وضع؛ یا وضع عام است و یا وضع خاص و وضع خاص؛ آن است که تبعات و درجاتی دارد، آن است که در فلسفه، پزشکی، اصول مصطلحات وضع شده است. اینها وضع خاص است، غیر از آن وضع عمومی.

در وضع خاص ممکن است یک جامعه خاصی و مجموعه‌ای از پزشکان یا فقها اصطلاحی را وضع کرده باشند ممکن است فرد خاص یا شخص خاصی برای خود نظام وضعی داشته باشد و خداوند هم در سور حروف مقطعه وضع خاصی دارد که شخص خدا آن را وضع کرده است و آن را به اطلاع پیغمبر یا به اطلاع همه رسانده است.

۳- اینکه اینها نام قرآن است، همان‌طور که برای قرآن اسامی وجود دارد مثل قرآن، فرقان، تبیان و امثال اینها، بیست و نه اسم دیگر هم هست که به صورت حروف مقطعه نام‌گذاری شده است. این هم باز وضع خاص هستند نه برای سوره خاص، بلکه برای کل قرآن. این هم یک قول است منتهی اینها استظهارات است و دلیل می‌خواهد و خیلی از آن‌ها دلیل واضحی ندارد ولی شواهد پراکنده‌ای دارد.

۴- این است که اینها علائم اختصاری از نام خدا و پیامبر هستند.

البته در اینجا می‌شد یک قول دیگری هم آورد که در این اقوال نیست و آن این است که کسی بگوید اینها اسامی خداوند یا پیغمبر است. این در اقوال نیامده است، آنچه در قول چهارم آمده است این است که اینها علائم اختصاری هستند.

تعدادی از این اقوال به اینکه حروف مقطعه علائم اختصاری هستند برمی‌گردد. در ادبیات قدیم هم این علائم اختصاری وجود داشته است و در دنیای جدید هم این علائم اختصاری که بعد خود علم می‌شود وجود داشته است. مخصوصاً در انگلیسی این خیلی جاافتاده است و بعد هم فرهنگ یک مقداری به زبان‌های دیگر تسری کرده است؛ CIA چنان اختصاری می‌شود که به همین شکل مقطع تلفظ می‌شود و گاهی هم به شکل مقطعه تلفظ نمی‌شود، «سیا» می‌گویند یا مثلاً «ناجا» این در ادبیات عرب هم سابقه داشته است منتهی رواج آن در انگلیسی‌های قرون متأخره که علائم اختصاری گذاشته می‌شود.

اقوالی هم می‌گویند اینها علائم اختصاری هستند، مثلاً علائم اختصاری از نام‌های خدا که روایات زیادی در این باره آمده است که نام‌های خدا یا پیامبر است.

۵- این است اینها حاوی اسم اعظم هستند؛ اسم اعظم که می‌گوییم واقع اسم اعظم یک حقیقت است و اسامی هم حکایت از آن اسم اعظم می‌کند، «الله» اسم اعظم است طبق آنچه در روایات آمده است و گفته شده است که اسم اعظم یک نام مخفی هم دارد و آن نام مخفی اسم اعظم در این چهارده حرفی است که در آغاز این بیست و نه سوره است پس اسم اعظم در اینها قرار دارد.

کما اینکه بعضی تعبیر می‌کنند یک حقایقی در ترکیب این حروف است، مثلاً اینکه صراط علیٍ حق نمسکه، اینکه بخواهیم از این چهارده حرف ترکیبی به دست بیاوریم صراط علی حق نمسکه، است و نقطه مقابل اهل سنت تعابیر دیگری از عمر و عثمان و… درآورده‌اند.

چنین چیزی هم گفته شده است که این چهارده حرف پخش در آغاز این سور، حاوی اسم اعظم است یا حاوی یک حقیقت مهمی است، آن وقت هر مذهبی برای خود چیزی درست کرده است.

۶- اینکه اینها سوگند، توضیح داده نشده است که آیا اینها حروف سوگند هستند مثل واو و باء و تاء سه حرف قسم یا اینکه اینها مُقسَم به هستند یعنی خدا به این حروف قسم می‌خورد یا اینکه قسم و مقسم به در یک حروف مقطعه حرف یک سوره جمع شده است؟

چند احتمال دارد که کسی روی این بحث نکرده است:

۱- مثلاً وضع خاصی دارد که اینها در آغاز سور به عنوان حروف قسم به کار رفته‌اند، این احتمال اول

۲- اینکه اینها خود مقسم به است و حرف قسم حذف شده است

۳- یا اینکه اینها وضع شده‌اند برای قسم و مقسم به، مثلاً اختصاری از اسم خداست و اینجا برای این وضع شده است که به او قسم می‌خورد. با اقوال دیگر هم قابل جمع است.

۴- یا حتی ممکن است کسی بگوید این وضعی دارد که در دل آن حرف قسم، مقسم به و مقسم له همه هست، اینها چند احتمال است که روی فرض قسم مطرح می‌شود.

۷- روی آن ترتیب که گفتیم این است که مبتنی بر علم حروف است، این حروف مقطعه‌ای که در آغاز سور قرار گرفته است، مدلول خاصی ندارد، حتی به نحو اختصاری یا سوگند بلکه به آن قوانینی که حاکم بر حروف است اشاره دارد.

چینش اینها بر اساس وضع الفاظ نیست که اینها پایه‌ای هستند برای شکل‌گیری کلمات، بلکه بر اساس آن حروف غریبه هستند یعنی حروفی اینجا آمده است بر مدالیلی که جزء علوم غریبه است دلالت می‌کند.

# توضیح مسئله

حروف که پایه شکل‌گیری کلمات هستند گاهی در ترکیب آن‌ها به مدالیل عرفیه و متعارفه نظر داریم که این مدالیل تابع وضع عرفی هستند که دلالات وضعیه می‌گویند و یک مدالیل هستند که تابع وضع عرفی نیست بلکه تابع قواعدی است که علوم غریبه متعرض آن می‌شود و فی‌الجمله واقعیاتی در آن هست. آن مدالیل تابع اوضاع نیست، بلکه تابع قواعد دیگری است که در علوم غریبه می‌آید، این قول و بعضی از اقوال دیگر مبتنی بر این است که کاربرد و استعمال این حروف مقطعه بر نظام دلالات وضعیه تنظیم نشده است بلکه بر اساس دلالات حروف در علوم غریبه التزام پیدا کرده است.

بر این اساس گفته شده است این حروف به کار رفته است، برای اشاره به عمر امم، تمدن‌ها و ملت‌هایی که می‌آیند، این عمر و مقاطع حیات و ممات جوامع و امم را بیان می‌کند.

۸- در قول هشتم گفته شده است که ناظر بر امت اسلامی است و مقاطعی از تطورات و تهورات امت اسلامی، از حکومت‌ها و خلافت‌ها را اشاره می‌کند بر اساس آن تنظیمات علم حروف.

گاهی کسانی ریز شده‌اند و عدد و رقم‌هایی را درآورده‌اند، این ناظر بر عمر دولت اموی یا عباسی است یا دولت عثمانی است.

روح قول هفت و هشت این است که استعمال این حروف در آغاز سور ناظر به دلالات وضعیه متعارف نیست بلکه ناظر به آن دلالات مبتنی بر علم حروف و علوم غریبه است. خیلی از اینها باهم قابل جمع است.

۹- این احتمال زیاد قائل دارد که قرآن با آوردن این حروف مقطعه در ابتدای بیست و نه سوره، می‌خواهد تحدی خود را خوب تحکیم کند.

کاربست این استعمال این حروف با این تلفظی که دارد، فقط یا لااقل اشاره به تحدی قرآن دارد، قرآن یک تحدی دارد که **﴿لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾**[[1]](#footnote-1)، یا **﴿بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ﴾**[[2]](#footnote-2)، **﴿بِسُورَةٍ مِثْلِهِ﴾**[[3]](#footnote-3)، این تحدی قرآن در این سور که به حروف مقطعه آغاز شده‌اند، می‌خواهد تحکیم بشود. می‌خواهد به بشریت بگوید سخنان شما از این حروف تشکیل شده است، خمیرمایه کلمات و وضع و سخن، همین حروف است و قرآن با همین حروفی که دست شماست ساخته شده است و کسی نمی‌تواند مثل آن را بیاورد.

اگر قائل به حصر در این نباشیم و نگوییم برای این گفته شده است، فی‌الجمله این مورد نظر هست قائلان خیلی زیادی دارد که ما از این مواد خام ترکیباتی آفریده‌ایم که خلق شده است که در آن تحدی است و معجزه است و دیگران نمی‌توانند مثل آن را بیاورد. یک اصواتی که مقابل با اصوات عربی است خلق نکرده‌ایم، وضع خاص نیاورده‌ایم، حرف خاص نیاورده‌ایم، همین حروف و همین اصوات و همین ترکیباتی که در دسترس همه هست به کار گرفته‌ایم ولی خیلی با آن چیزی که شما و دیگران به کار می‌گیرید فرق دارد.

۱۰- این که استعمال این حروف برای اسکات کافران و تنبیه است؛ برای اینکه کسی را بیدار کنیم و توجه او را به سخنی جلب کنیم، گاهی فریاد زده می‌شود، گاهی سکوت می‌کند، برای اینکه نظر را جلب کند، یکی از راه‌های جلب نظر، در زمان قرآن یا حتی برای ازمنه دیگر، برای جلب نظر و اسکات مخاطب یک چیزی می‌گوید که غیرمتعارف است. «الم، ص» این جلب نظر در احتمالاتی که مطرح شده است در زمان رسول‌خدا، وقتی می‌خواست نظر کفار را جلب بکند، سور مقطعه را تلاوت می‌کرد، این‌جور بیان شده است.

ولی می‌شود گفت این برای جلب نظر در طول تاریخ بیان شده است، اختصاص به آن زمان ندارد، برای اینکه ذهن را به سمت خود جذب بکند و جلب می‌کند این از اختصاصات قرآن است، یک حروفی آورده است برای اینکه جلب نظر بکند.

۱۱- در احتمال ۹ این است که نمونه حروف را می‌دهد ولی در ۱۱ تحدی را بیان می‌کند.

۱۲- این نکته است که حروف مقطعه در هر سوره بیش از هر حروف است، این چیزی است که در دوره‌های متأخر بیشتر به سمت آن رفته‌اند بر اساس حساب‌های الکترونیکی و ارقام درآورده‌اند، می‌گوید مثلاً حرف «الف و لام و میم» در سوره بقره، کاربرد بیشتری از سایر حروف دارد.

ظاهراً علت این است که در همه جا این تام نیست که بگوییم این حروف مقطعه‌ای که در سوره آمده است استعمال آن در سایر حروف بیشتر است. در خود آن سوره یا نسبت به تقسیم اینها در کل آیات، منتهی همه اینها قطعی نهایی نیست.

۱۳- اینها حد و مرز سوره‌ها هستند، برای اینکه سوره‌ای را از سوره دیگر جدا کند. این احتمال ضعیفی است، چرا در بعضی سوره‌ها هست و در بعضی دیگر نیست.

۱۴- این است که این حروف آغاز این سور، اجمالی از کل مضامین سوره است، این به نحوی یک دلالتی از علوم غریبه یا وضع خاص دارد کل محتوا را در الف لام میم جمع کرده است. در واقع پیام کلی سوره در این حروف جمع شده است، به نحو وضع متعارف عادی یا بر اساس یک علوم غریبه.

۱۵- شبیه آن است که می‌گویند مقدمه سوره است، یعنی مضمونی می‌گوید که مقدمه سوره است.

۱۶- مخفف نام جمع کنندگان قرآن است که قرآن پیشاپیش می‌گوید اینها بنا هست که قرآن را جمع بکنند که هیچ شاهدی بر این نیست و اضعف احتمالات این است.

۱۷- ناظر به تعداد آیات سوره‌هاست

۱۸- اشاره به نفی قِدَم قرآن است که حرف عجیبی است که در اختلافات قدم و حدوث قرآن آمده است.

۱۹- مرحوم علامه طباطبایی حرفی دارند که این سوره‌هایی که حروف مقطعه مشترک دارند، مضامین مشترکی دارند، آن‌ها که الف و لام میم دارند دیده می‌شود مضامین این سوره با آن سوره‌ای که حرف مقطعه مشترک دارند مشترک است، این فی‌الجمله می‌تواند بعضی از سور مقطعه را تفسیر بکند.

۲۰- آنچه آنجا آمده است این رمز و سری بین خدا و رسول‌خدا است، از اسرار قرآن است.

۲۱- به مرحوم آقای مطهری چیزی نسبت داده شده است که می‌گوید حروف مقطعه اشاره به تقدم معنا بر ماده است.

اینها نکاتی است که در اینجا آمده است، نه نظم منطقی بر اینها حاکم است و نه اقوال جدای از هم هستند خیلی از اینها را می‌شود گفت اراده شده است و بعضی خیلی ضعیف است و بعضی قابل قبول است گرچه شاهدی ندارد.

بعضی هم مثل اسرار شواهدی در روایات دارد، این دور نمایی از مقطعه است.

چند بحث اساسی وجود دارد که در جلسات بعد…

۱- آیا می‌شود این آیات را از قرآن دانست و خارج از آن تقسیم آیات به محکم و متشابه یا در تقسیم قرار می‌گیرد؛ اینجا دو احتمال است

احتمال اول این است که اینها از متشابهات باشند که در بعضی از این اقوال بود

احتمال دوم این است که آن تقسیم به محکم و متشابه، حصری نیست، این حروف مقطعه نه محکم هستند و نه متشابه

۲- بحث دیگر این است که آیا الزامی دارد که این‌ها حتماً وضع شده‌اند و معنا داشته باشند، یا قاعده کلی هست که قرآن تبیان است و بیان است، یک قاعده است که هر آیه‌ای، هر جزئی از آیه محکوم آن قانون وضع و دلالات وضعیه باشد یا خیر؟

این دو بحث جدی است که باید اینها را حل کرد اینها بحث‌های محتوایی است آن‌ها را اگر حل کنیم می‌شود گفت کدام یک از این احتمالات قابل قبول است و کدام یک قابل جمع است.

1. - سوره اسراء، آیه ۸۸ [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره هود، آیه ۱۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره یونس، آیه ۳۸ [↑](#footnote-ref-3)